

اصطلاحات حقوقی انگلیسی

با معنی فارسی



آموزشگاه زبان ملل

اصطلاحات حقوقی انگلیسی با معنی فارسی

در جدول زیر رایج‌ترین اصطلاحات حقوقی انگلیسی به همراه مثال با معنی فارسی آورده شده است:

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	مثال	ترجمه مثال
Plaintiff	خواهان	The plaintiff filed a lawsuit against the company.	خواهان علیه شرکت دادخواست ارائه کرد.
Defendant	خوانده	The defendant denied all allegations in court.	خوانده در دادگاه تمامی اتهامات را رد کرد.
Breach of Contract	نقض قرارداد	The breach of contract led to a significant financial loss.	نقض قرارداد منجر به خسارت مالی قابل توجهی شد.
Force Majeure	فورس ماژور	The contract includes a force majeure clause for unforeseen events.	قرارداد شامل بندی برای شرایط فورس ماژور در صورت وقایع پیش‌بینی‌نشده است.
Arbitration	داوری	Arbitration is often faster than traditional litigation.	داوری اغلب سریع‌تر از دادرسی سنتی است.
Jurisdiction	صلاحیت قضایی	This court does not have jurisdiction over the case.	این دادگاه صلاحیت قضایی برای رسیدگی به این پرونده را ندارد.
Confidentiality Agreement	توافق‌نامه محرمانگی	Employees must sign a confidentiality agreement before starting work.	کارکنان باید پیش از شروع کار توافق‌نامه محرمانگی را امضا کنند.
Intellectual Property	مالکیت معنوی	Intellectual property laws protect innovations and inventions.	قوانین مالکیت معنوی از نوآوری‌ها و اختراعات محافظت می‌کنند.

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	مثال	ترجمه مثال
Liability	مسئولیت	The company accepted liability for the defective product.	شرکت مسئولیت محصول معیوب را پذیرفت.
Settlement	تسویه یا سازش	The parties reached a settlement to avoid going to trial.	طرفین به توافقی رسیدند تا از رفتن به دادگاه جلوگیری کنند.
Testimony	شهادت	The witness provided testimony that supported the plaintiff's claims.	شاهد شهادتی ارائه کرد که ادعاهای خواهان را تأیید کرد.
Subpoena	احضاریه	The court issued a subpoena for the witness to appear.	دادگاه احضاریه‌ای برای حضور شاهد صادر کرد.
Verdict	حکم دادگاه	The jury delivered a unanimous verdict of guilty.	هیئت منصفه حکمی متفق القول برای مجرم بودن صادر کرد.
Affidavit	اظهارنامه	She submitted an affidavit to support her case.	او اظهارنامه‌ای برای حمایت از پرونده خود ارائه کرد.
Statute of Limitations	قانون محدودیت زمانی	The case was dismissed due to the statute of limitations.	پرونده به دلیل محدودیت زمانی قانونی رد شد.

اصطلاحات تخصصی دادگاه و دادرسی به انگلیسی

جدول زیر شامل 15 اصطلاح تخصصی مرتبط با دادگاه و دادرسی به همراه معنی فارسی، مثال و ترجمه است:

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	مثال	ترجمه مثال
Hearing	جلسه رسیدگی	The court scheduled a hearing to review the evidence.	دادگاه جلسه رسیدگی برای بررسی مدارک تعیین کرد.
Adjournment	تعویق جلسه	The judge granted an adjournment until next week.	قاضی تعویق جلسه را تا هفته آینده پذیرفت.
Contempt of Court	بی‌احترامی به دادگاه	He was fined for contempt of court due to his behavior.	او به دلیل رفتار خود به جرم بی‌احترامی به دادگاه جریمه شد.
Amicus Curiae	دوست دادگاه	An amicus curiae submitted a brief supporting the plaintiff's case.	یک دوست دادگاه یک خلاصه برای حمایت از پرونده خواهان ارائه داد.
Deposition	شهادت‌نامه	The lawyer took a deposition from the witness before the trial.	وکیل پیش از محاکمه از شاهد شهادت‌نامه گرفت.
Injunction	دستور قضایی	The court issued an injunction to stop the construction.	دادگاه دستور قضایی برای توقف ساخت‌وساز صادر کرد.
Precedent	سابقه قضایی	This case sets a new precedent for future rulings.	این پرونده سابقه قضایی جدیدی برای احکام آینده ایجاد می‌کند.
Motion	درخواست قضایی	The attorney filed a motion to dismiss the case.	وکیل درخواست قضایی برای رد پرونده ارائه کرد.
Affirmative Defense	دفاع مثبت	The defendant raised an affirmative defense of self-defense.	خوانده دفاع مثبت دفاع از خود را مطرح کرد.

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	مثال	ترجمه مثال
Restitution	جبران خسارت	The court ordered restitution to the victims of the fraud.	دادگاه جبران خسارت به قربانیان کلاهبرداری را دستور داد.
Summons	احضاریه	A summons was issued requiring the defendant to appear in court.	احضاریه‌ای برای حضور خوانده در دادگاه صادر شد.
Voir Dire	انتخاب هیئت منصفه	During voir dire, attorneys questioned potential jurors about their biases.	در حین انتخاب هیئت منصفه، وکلا درباره تعصبات احتمالی اعضا سؤال کردند.
Sequestration	قرنطینه هیئت منصفه	The jury was placed under sequestration during the trial.	هیئت منصفه در طول محاکمه تحت قرنطینه قرار گرفت.
Default Judgment	حکم پیش فرض	A default judgment was issued because the defendant failed to appear.	به دلیل عدم حضور خوانده، حکم پیش فرض صادر شد.
Perjury	شهادت دروغ	He was charged with perjury for lying under oath during the trial.	او به دلیل دروغ گفتن تحت سوگند در جریان محاکمه به شهادت دروغ متهم شد.

لغات کاربردی قرارداد حقوقی به زبان انگلیسی

این جدول شامل مجموعه‌ای از اصطلاحات کلیدی و پرکاربرد در زمینه قراردادهای حقوقی است که برای درک بهتر مفاهیم قانونی و تنظیم اسناد حقوقی بسیار مفید هستند. این اصطلاحات به توضیح دقیق مفاهیمی مانند تعهدات طرفین، شرایط فسخ، محرمانگی و غرامت کمک می‌کنند و در قراردادهای مختلف از جمله توافق‌نامه‌های تجاری و حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

همچنین مثال‌های ارائه شده برای هر اصطلاح به شما کمک می‌کند تا کاربرد عملی آن‌ها را بهتر درک کنید:

ترجمه مثال	مثال	معنی فارسی	اصطلاح انگلیسی
قرارداد به وضوح تعهدات هر دو طرف را مشخص می‌کند.	The contract clearly defines the obligations of both parties.	طرفین	Parties
عوض یکی از عناصر اساسی برای یک قرارداد معتبر است.	Consideration is an essential element for a valid contract.	عوض	Consideration
نقض توافق‌نامه محرمانگی منجر به اقدام قانونی شد.	A breach of the confidentiality agreement led to legal action.	نقض قرارداد	Breach
بند عدم رقابت، کارمند را از کار برای یک رقیب منع می‌کند.	The non-compete clause prevents the employee from working for a competitor.	بند	Clause
بند فورس مازور شامل بلایای طبیعی و دیگر رویدادهای پیش‌بینی نشده است.	The force majeure clause covers natural disasters and other unforeseen events.	بند فورس مازور	Force Majeure Clause
قرارداد شرایط خاتمه زودهنگام را مشخص می‌کند.	The contract specifies conditions for early termination.	خاتمه قرارداد	Termination
انتقال حقوق تحت قرارداد نیاز به رضایت کتبی دارد.	The assignment of rights under the contract requires written consent.	انتقال قرارداد	Assignment
بند غرامت از شرکت در برابر خسارات مالی محافظت می‌کند.	The indemnity clause protects the company from financial losses.	غرامت	Indemnity

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	مثال	ترجمه مثال
Confidentiality	محرمانگی	The confidentiality agreement prohibits sharing proprietary information.	توافق نامه محرمانگی به اشتراک گذاری اطلاعات اختصاصی را ممنوع می کند.
Jurisdiction Clause	بند صلاحیت قضایی	The jurisdiction clause specifies the court with authority over disputes.	بند صلاحیت قضایی دادگاهی را که اختیار رسیدگی به اختلافات دارد مشخص می کند.
Severability	قابلیت تفکیک	The severability clause ensures that invalid terms do not affect the entire contract.	بند قابلیت تفکیک تضمین می کند که شرایط نامعتبر بر کل قرارداد تأثیر نمی گذارد.
Waiver	اسقاط حق	The waiver of one right does not mean waiving all rights under the agreement.	اسقاط یک حق به معنای اسقاط تمام حقوق تحت قرارداد نیست.
Entire Agreement	کل قرارداد	The entire agreement clause states that this document is the final understanding between parties.	بند کل قرارداد بیان می کند که این سند توافق نهایی بین طرفین است.
Amendment	اصلاحیه	Any amendment to this contract must be agreed upon in writing.	هرگونه اصلاحیه در این قرارداد باید به صورت کتبی مورد توافق قرار گیرد.
Non-Disclosure Agreement	توافق نامه عدم افشا	The non-disclosure agreement prevents employees from sharing sensitive information.	توافق نامه عدم افشا از به اشتراک گذاری اطلاعات حساس توسط کارکنان جلوگیری می کند.

اصطلاحات حقوق تجارت و شرکت ها به انگلیسی

اصطلاحات مرتبط با حقوق تجارت و شرکت‌ها بخش مهمی از زبان تخصصی حقوقی محسوب می‌شوند که برای فعالیت در حوزه تجارت بین‌المللی و مدیریت شرکت‌ها ضروری هستند. این واژگان، زمینه را برای درک بهتر ساختارها، فرایندها و وظایف شرکت‌ها فراهم می‌کنند و در حوزه‌هایی مانند مدیریت سهامداران، تنظیم قراردادهای، حاکمیت شرکتی و سرمایه‌گذاری مشترک به کار می‌روند.

آشنایی با این اصطلاحات به افراد کمک می‌کند تا در مذاکرات تجاری، مدیریت مالی و تصمیم‌گیری‌های کلیدی عملکرد بهتری داشته باشند.

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	مثال	ترجمه مثال
Shareholder	سهامدار	Shareholders have the right to vote on major company decisions.	سهامداران حق رأی در تصمیمات مهم شرکت را دارند.
Board of Directors	هیئت مدیره	The board of directors approved the company's new strategy.	هیئت مدیره استراتژی جدید شرکت را تصویب کرد.
Merger	ادغام	The two companies announced a merger to strengthen their market position.	دو شرکت اعلام کردند که برای تقویت موقعیت خود در بازار ادغام می‌شوند.
Acquisition	تصاحب	The acquisition of the smaller firm was completed last month.	تصاحب شرکت کوچک‌تر ماه گذشته تکمیل شد.
Subsidiary	شرکت تابعه	The subsidiary operates independently but aligns with the parent company's goals.	شرکت تابعه به طور مستقل فعالیت می‌کند اما با اهداف شرکت مادر هماهنگ است.
Articles of Association	اساسنامه شرکت	The articles of association outline the rules for running the company.	اساسنامه شرکت قوانین مربوط به اداره شرکت را مشخص می‌کند.

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	مثال	ترجمه مثال
Capital	سرمایه	The company plans to increase its capital through new investments.	شرکت قصد دارد از طریق سرمایه‌گذاری‌های جدید سرمایه خود را افزایش دهد.
Dividend	سود سهام	Shareholders received a dividend based on the company's annual profits.	سهامداران سود سهام را بر اساس سود سالانه شرکت دریافت کردند.
Limited Liability	مسئولیت محدود	Limited liability protects shareholders from personal financial losses.	مسئولیت محدود سهامداران را از خسارات مالی شخصی محافظت می‌کند.
Memorandum of Association	اظهارنامه تأسیس شرکت	The memorandum of association is a key document for company registration.	اظهارنامه تأسیس شرکت یکی از اسناد اصلی برای ثبت شرکت است.
Corporate Governance	حاکمیت شرکتی	Corporate governance ensures transparency and accountability in business operations.	حاکمیت شرکتی شفافیت و پاسخگویی در عملیات تجاری را تضمین می‌کند.
Joint Venture	سرمایه‌گذاری مشترک	The two companies formed a joint venture to develop new technologies.	دو شرکت برای توسعه فناوری‌های جدید یک سرمایه‌گذاری مشترک تشکیل دادند.
Stakeholder	ذی‌نفع	Stakeholders include employees, customers, and investors.	ذی‌نفعان شامل کارکنان، مشتریان و سرمایه‌گذاران می‌شوند.
Fiduciary Duty	وظیفه امانت‌داری	Directors have a fiduciary duty to act in	مدیران وظیفه امانت‌داری دارند که در راستای منافع شرکت عمل کنند.

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	مثال	ترجمه مثال
		the best interest of the company.	
Liquidation	تصفیه	The company entered liquidation due to financial difficulties.	شرکت به دلیل مشکلات مالی وارد مرحله تصفیه شد.

واژگان حقوقی در اسناد و مدارک رسمی

واژگان حقوقی در اسناد و مدارک رسمی به طور ویژه‌ای برای روشن‌سازی حقوق و تکالیف طرفین و ایجاد اطمینان از رعایت قوانین و مقررات استفاده می‌شوند. این واژگان نه تنها در قراردادها و اسناد رسمی بلکه در دادخواست‌ها، احکام دادگاه، گواهی‌ها و سایر مستندات حقوقی نیز به کار می‌روند. این واژگان به دلیل دقت بالا، از ابهام‌زدایی و تفسیرهای متفاوت جلوگیری می‌کنند و به حقوق و تعهدات طرفین، به طور دقیق، اشاره دارند. جدول واژگان حقوقی در اسناد و مدارک رسمی عبارتند از:

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	مثال	ترجمه مثال
Agreement	توافقنامه	The agreement was signed by both parties.	توافقنامه توسط هر دو طرف امضا شد.
Arbitration	داوری	The dispute was resolved through arbitration.	اختلاف از طریق داوری حل شد.
Breach	نقض قرارداد	The company sued for breach of contract.	شرکت به دلیل نقض قرارداد شکایت کرد.
Clause	بند	The contract includes a clause about confidentiality.	قرارداد شامل بندی درباره محرمانگی است.
Defendant	متهم	The defendant was found guilty in court.	متهم در دادگاه گناهکار شناخته شد.

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	مثال	ترجمه مثال
Indemnity	جبران خسارت	The policy includes indemnity against damages.	سیاست شامل جبران خسارت در برابر ضررها است.
Injunction	دستور موقت	The court issued an injunction to stop the construction.	دادگاه دستور موقت برای توقف ساخت و ساز صادر کرد.
Liability	مسئولیت	The company accepts liability for the damages.	شرکت مسئولیت خسارات را پذیرفت.
Plaintiff	شاکی	The plaintiff is seeking compensation for damages.	شاکی درخواست جبران خسارات را دارد.
Power of Attorney	وکالت نامه	He granted his lawyer a power of attorney to act on his behalf.	او به وکیل خود وکالت نامه داد تا به نمایندگی از او عمل کند.
Settlement	توافق نهایی	A settlement was reached after negotiations.	توافق نهایی پس از مذاکرات به دست آمد.
Testimony	شهادت	The witness provided testimony in the trial.	شاهد در محاکمه شهادت داد.
Tort	زیان غیر قراردادی	He filed a tort claim for personal injury.	او شکایتی به عنوان زیان غیر قراردادی برای صدمات بدنی ثبت کرد.
Validity	اعتبار	The validity of the contract was questioned.	اعتبار قرارداد مورد سوال قرار گرفت.
Waiver	انصراف	The waiver of rights was signed by both parties.	انصراف از حقوق توسط هر دو طرف امضا شد.

این واژگان حقوقی به طور خاص در اسناد قانونی و مدارک رسمی برای ایجاد دقت و شفافیت استفاده می‌شوند و به طور معمول در مباحث حقوقی و قضائی در زبان انگلیسی به کار می‌روند.

اصطلاحات تخصصی حقوق بین الملل به انگلیسی

حقوق بین‌الملل به مجموعه‌ای از قوانین و اصول گفته می‌شود که روابط بین کشورها، سازمان‌ها و افراد را تنظیم می‌کند. این حقوق شامل مسائل مختلفی از جمله حقوق بشر، معاهدات، دیپلماسی و حل اختلافات بین‌المللی است. اصطلاحات حقوق بین‌الملل به طور خاص در اسناد و معاهدات بین‌المللی و محاکم بین‌المللی برای شفافیت بیشتر و مدیریت بهتر روابط بین‌المللی استفاده می‌شوند.

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	مثال	ترجمه مثال
Sovereignty	حاکمیت	Each state has sovereignty over its own territory.	هر کشور بر قلمرو خود حاکمیت دارد.
Diplomatic Immunity	مصونیت دیپلماتیک	Diplomats enjoy diplomatic immunity in foreign countries.	دیپلمات‌ها در کشورهای خارجی از مصونیت دیپلماتیک برخوردارند.
Treaty	معاهده	The treaty was signed by both nations to ensure peace.	معاهده توسط هر دو کشور برای تضمین صلح امضا شد.
Sanctions	تحریم‌ها	Economic sanctions were imposed by the UN.	تحریم‌های اقتصادی توسط سازمان ملل اعمال شد.
International Court	دیوان بین‌المللی	The case was brought before the International Court of Justice.	پرونده به دیوان بین‌المللی عدالت ارجاع شد.
Humanitarian Law	حقوق بشردوستانه	Humanitarian law protects civilians in armed conflicts.	حقوق بشردوستانه از غیرنظامیان در درگیری‌های مسلحانه محافظت می‌کند.
Extradition	استرداد	The country requested the extradition of the suspect.	کشور درخواست استرداد مظنون را کرد.

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	مثال	ترجمه مثال
Customary International Law	حقوق عرفی بین الملل	Customary international law is based on consistent state practice.	حقوق عرفی بین الملل بر اساس رویه ثابت کشورهای مختلف است.
Jurisdiction	صلاحیت	The court has jurisdiction over international disputes.	دادگاه صلاحیت رسیدگی به اختلافات بین المللی را دارد.
Refugee	پناهنده	Refugees are protected under international conventions.	پناهندگان تحت کنوانسیون های بین المللی حمایت می شوند.
Arbitration	داوری بین المللی	The dispute was settled through international arbitration.	اختلاف از طریق داوری بین المللی حل شد.
International Law	حقوق بین الملل	International law governs the relations between states.	حقوق بین الملل روابط بین کشورها را تنظیم می کند.
Recognition	به رسمیت شناسی	Many countries have granted recognition to the new state.	بسیاری از کشورها به دولت جدید به رسمیت شناسی اعطا کرده اند.
Non-Intervention	عدم مداخله	The principle of non-intervention is fundamental in international relations.	اصل عدم مداخله در روابط بین الملل بنیادین است.
Diplomatic Relations	روابط دیپلماتیک	Diplomatic relations between the two countries were restored.	روابط دیپلماتیک بین دو کشور بازسازی شد.

این اصطلاحات در زمینه حقوق بین الملل برای تنظیم و مدیریت روابط میان کشوری و رعایت اصول جهانی در قوانین و معاهدات به کار می روند.